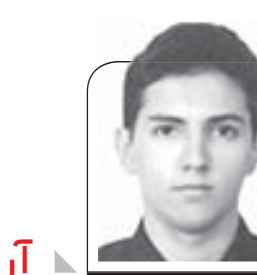
گفت‌وگوی «شرق» با جانشین نمایندگی اقلیم کردستان در تهران:

«داعش» با اجماع سیاسی در عراق، از بین می‌رود





آرمان محمودیان

مشخص نیست حسادت نهفته در خاک است یا نفرینی تاریخی، اما هرچه که هست، ظاهرا عراق خوش ندارد کشوری در صدر اخباربودن از آن سبقت گیرد؛ عراق با عجایبش از صدام‌حسین گرفته تا ظهور سهمگین داعش جایگاه در صدر اخباربودن را در انحصار خود گرفته است؛ ظهوری که باعث شد خبرنگار روزنامه «شرق»، با حضور در دفتر نمایندگی اقلیم کردستان در شهرک غرب، با آقای دکترمحمد صدیق جگرخوین، جانشین نمایندگی اقلیم کردستان و عضو ارشد حزب دموکرات کردستان عراق، درباره تحولات اخیر این کشور گفت‌وگو کند.

چندی پیش شهر موصل به دست داعش افتاد؛ سقوطی که به گفته برخی از منابع خبری، پاره‌ای از عشایر سنی نیز در آن بی‌نقش نبودند. شما ریشه این بحران را چگونه تحلیل می‌کنید؟

برای درک بهتر این بحران به شناسایی عوامل زمینه‌ساز نیاز داریم. می‌دانید یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین مشخصه دموکراسی مدرن، تکثرگرایی یا پلورالیسم سیاسی است که همزیستی مسالمت‌آمیز عقاید گوناگون جامعه را به‌دنبال دارد. اما متاسفانه طی چنددهه مدیریت سیاسی تمرکزگرا در عراق حاکم بود که جهانیان نتایج فاجعه‌بار آن را دیدند تا اینکه پس از سقوط رژیم بعث در سال۲۰۰۳ بسیاری این امید را داشتند که ساختار حاکمیتی عراق به سوی تکثرگرایی حرکت کند ولی پس از خروج نیروهای آمریکایی، دولت پیشین با وجود برخورداری از منابع و امکانات قابل ملاحظه نتوانست شرایط عمومی و امنیتی کشور را به درجه قابل‌قبولی برساند و اهداف کلان جامعه متکثر عراق را محقق کند؛ ادعایی که در مورد بحران اخیر عراق مطرح است، عدم التزام به توافقات سیاسی موجود و قانون‌اساسی از سوی دولت فدرال است که موجب شده نه‌تنها بحران‌های داخلی در عراق حل‌وفصل نشوند، بلکه بحران‌های جدید نیز ظهور پیدا کنند.

دروقاع عدم التفات به خواسته‌های معقول جریان‌های سیاسی از سوی دولت پیشین از دلایل مهمی است که موجب شده تا حلقه‌ها و نیروهایی که مخالف پیشرفت ملت عراق هستند، ناراضی‌ها را به‌ویژه در مناطق مرکزی و غربی جذب کرده و در نتیجه چنین وضعیت بغرنجی پدید آید.

عده‌ای در مقابل، این استدلال را دارند که تا قبل از ۲۰۰۳ عراق توسط یک اقلیت بر اکثریت شیعه اداره شده و حال بعد از سقوط صدام، این اقلیت از قدرت حذف نشده‌اند بلکه جایگاه متناسب جمعیت و کثرتشان به آنان داده شد، آیا می‌توان اینطور برداشت کرد که پاره‌ای از رهبران سنی، حاضر به قبول جایگاه خود نیستند؟

زیاده‌خواهی‌ها همیشه وجود داشته است، اما عراق امروز، عراق گذشته نیست، بعد از ۸۰ یا ۹۰سال، تلاش شده است حاکمیتی که نماینده همه اقشار مردم باشد به وجود آید، قاعدتا باید نگاه این نظام نوین، دموکراتیک و ابزارهای آن برای حل مشکلات، گفت‌وگو و سایر ابزارهای قانونی ومسالمت‌آمیز باشد، در حالی که زمامداران تفاوت اساسی در روش‌هایشان برای اداره جامعه نداشتند. البته قانون‌اساسی جدید عراق، سازوکارهای مناسبی برای‌گذار این کشور از بحران‌های گذشته و جریان صلح‌آمیز امور تدارک دیده که اگر با حسن‌نیت، بدون ملاحظه‌کاری سیاسی و انگیزه‌های شخصی اجرا می‌شد، شاید عراق در حال حاضر با این معضلات روبه‌رو نبود.

فرای ریشه‌شناسی بحران فعلی، مساله این است که نیروهای داعش چگونه موفق شدند با نفراتی حدود ۸۰۰ الی هزار شبه‌نظامی شهر موصل را اشغال کنند، مشخص است ستون پنجمی داشته‌اند، شما به‌عنوان نماینده حزب دموکرات کردستان عراق و در حقیقت حزب حاکم بر اقلیم هستید، از دید جناح سیاسی مظنون اصلی و مهم‌ترین همکار داعش در این فتح شوم کیست؟

البته بنده در اینجا به‌عنوان جانشین نماینداقلیم کردستان در ایران با شما سخن می‌گویم؛ در نگاهی کلی می‌توان گفت نارضایتی مردم محلی از سیاست‌های دولت آقای‌مالکی، باعث شد آنها انگیزه‌ای برای دفاع نداشته باشند حتی برخی از عشایر نه‌تنها مقاومت نکردند بلکه به حمایت از داعش پرداختند. از سوی دیگر ارتشی که آقای‌مالکی تشکیل داده بود با وجود در اختیارداشتن سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته نظامی فراوان یک ارتش توانمند و مبتنی بر باورهای ریشه‌دار نبود، نفوذ اطلاعاتی تروریست‌ها نیز در داخل نیروهای ارتش به اذعان بسیاری از آگاهان بسیار محتمل است. به همه اینها، روش‌های وحشیانه داعش در ایجاد رعب و وحشت و جنگ روانی، در کنار عدم توجه دولت مرکزی به هشدارهای مقامات کردستان را باید اضافه کرد. اینها از جمله عواملی بودند که دست‌به‌دست هم دادند تا داعش اینگونه در موصل بحران‌آفرینی کند.

یکی از مسایلی که بعد از سقوط موصل مطرح شد و عده‌ای از آن به‌عنوان«بازی بد اقلیم» یاد کردند، تبدیل‌شدن اقلیم به محلی برای گردآوری عشایر سنی بود، آنها هم بعد از اولین جلسه خود در اربیل از داعش و همکارانش با عنوان«جبهه انقلابیون» یاد کردند، چرا اقلیم چنین فضایی به آنان داد و در حقیقت چرا وارد این بازی عربی-عربی شد؟

ملت کرد بزرگ‌ترین قربانی پدیده شوم تروریسم در منطقه است. درست به همین دلیل اکنون نیروهای پیشمرگه کردستان عمده‌ترین و موثرترین نیروی مقابله با دولت تروریستی داعش هستند. ما وارد هیچ بازی‌ای نشدیم، اقلیم کردستان با دیگر بخش‌های عراق خیلی متفاوت است و با توجه به شاخص‌های موجود، ما می‌توانیم بحق مدعی باشیم یک جامعه آزاد و پویا در اقلیم کردستان پدید آورده‌ایم اما به این معنا نیست که نقش خود را در کل عراق فراموش کنیم، بلکه سعی می‌کنیم بر اساس باورهای دموکراسی‌خواهانه خود سیاست‌هایمان را دنبال کنیم تا نقشی مثبت در ایجاد همگرایی بین جریان‌های سیاسی عراق ایفا شود. ما اعتقاد داریم برخی از روش‌های دولت مرکزی در برخورد با مخالفان سیاسی‌اش نامناسب بوده است. این منحصر به سنی‌ها و کردها نیست و حتی گاه، شیعیان را هم شامل شده و در مقاطعی که بعضی از مخالفان سیاسی آقای‌مالکی که در بغداد فضایی برای اظهارنظر پیدا نکردند. در سفرهایشان به اقلیم کردستان نظراتشان را بیان کرده‌اند. البته به هیچ‌کس یا گروهی اجازه داده نشده فعالیتی علیه دولت بغداد داشته باشد. اما بدیهی است دولت ما برای همه جریان‌های قانونمدار حاضر در عرصه سیاسی عراق حق اظهارنظر یا اعلام مواضع را قایل است، همان‌گونه که ما این حق را برای مخالفان سرسخت خود نیز قایلیم و این نه‌تنها یک فاکتور منفی نیست، بلکه نقطه قوت جامعه کردستان است.

در نخستین ایامی که داعش به عراق یورش بود، عده‌ای بر این تحلیل بودند بزرگ‌ترین برنده این نبرد کردستان عراق است و شاهدش هم مناطقی بود که پیشمرگه‌های کرد در آن روزها تصرف کردند، آن پیشروی‌های اولیه به درخواست دولت مرکزی بود یا از سوی اهالی برای ورود پیشمرگه‌های امدادخواهی شد یا اینکه اقلیم از آن به‌عنوان فرصتی تکرارنشدنی استفاده کرد؟

مناطقی که نیروهای نظامی پیشمرگه به آن وارد شدند، مناطق کردنشین و منطقه کردستان خارج از حوزه اقلیم بود. وقتی ارتش عراق شتابزده این مناطق را تخلیه کرد، نیروهای تروریستی این مناطق را هم به قصد تصرف موردتهاجم قرار دادند و شروع به پیشروی در این نواحی کردند، عکس‌العمل سریع نیروهای پیشمرگه برای دفاع از مردم محلی در مقابل تهاجم وحشیانه تروریست‌های داعش بود و مشخصا پیشروی‌های آنها را متوقف کرد. بسیار روشن است اگر نیروهای داعش به این سرعت این مناطق را هم تصرف می‌کردند، هیچ‌گونه تضمیمی برای حفظ دیگر مناطق و مشخصا بغداد که تروریست‌ها تا ۳۰کیلومتر آن پیش رفته بودند، وجود نداشت اما مقاومت نیروهای پیشمرگه، روحیه سربازان دولت مرکزی را هم دوچندان کرد، بنابراین نگاه ما نه‌تنها فرصت‌طلبانه نبود، بلکه حق‌طلبانه و حرکتی مشروع برای دفاع از مردم خودمان و کل عراق بود.

یکی از مسایلی که در آن ایام ناظران را نسبت به امنیت اقلیم بیمناک می‌کرد، چندصدایی بود که از اقلیم بروز پیدا کرده بود، به‌طوری که مواضع برخی جریان‌ها با موضع حکومت اقلیم، تفاوت داشت، این مساله چه تاثیری بر ادامه مبارزات گذاشت؟

چندصدایی، اصلی راهنما در دموکراسی‌ها و در جوامع متکثر است، اما با شما موافقم که گاه اظهارنظرهای غیرمسوولانه بعضی از اشخاص یا گروه‌ها وجود دارد که آگاهانه یا ناآگاهانه منافع خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند. اینگونه اظهارنظرها در داخل و خارج از اقلیم کردستان از دید مردم و مسوولان از اعتبار چندانی برخوردار نیستند. خوشبختانه دولت ما تقریبا نماینده همه مردم کردستان است، چراکه تقریبا همه احزاب و جریان‌های سیاسی شرکت‌کننده در انتخابات در آن حضور دارند.

سیاست‌های رسمی اقلیم کردستان نیز همواره به شکلی بسیار روشن و شفاف از سوی ریاست اقلیم کردستان، ریاست هیات وزیران و سخنگوی رسمی دولت اعلام می‌شود و به‌ویژه در عرصه روابط خارجی، متولی و مرجع اعلام سیاست‌های اقلیم کردستان، مسوول روابط خارجه اقلیم کردستان است. خوشبختانه همه مقامات دولت اقلیم کردستان متعهدانه، به شکلی کاملا منسجم و متحد عمل کرده و در چارچوب منافع ملی سخن می‌گویند.

پس از پیشروی‌های اولیه نیروهای پیشمرگه ناگهان ورق برگشت و داعش موفق شد مناطقی را از کردها بگیرد و حتی وارد جاده اربیل شود، این وارونگی ناشی از چه بود؟

البته پیشرفت داعش در اقلیم در مقایسه با پیشروی‌هایی که در سایر نقاط عراق کردند، جزیی بود و هم‌اکنون با حملات پی‌درپی پیشمرگه‌ها که با پشتیبانی هوایی همراه است. تقریبا از تمام این مناطق عقب‌نشینی کرده‌اند. اما اینکه چرا آنها موفق شدند به پیشروی‌های محدودی در اقلیم دست یابند، دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد که عمده‌ترین آنها، مجهزبودن این نیروهای تروریستی به سلاح‌های مدرن سنگین و پیشرفته بود که در مقابل نیروهای پیشمرگه دارای تسلیحات عمدتا سبک بودند، بخشی از عقب‌نشینی‌ها هم قاعدتا می‌تواند براساس تاکتیک‌های نظامی و در جهت تقویت مواضع دفاعی و خارج‌کردن غیرنظامیان از منطقه جنگی باشد. البته احتمالا اشکالاتی هم در سازماندهی نیروهای پیشمرگه وجود داشت و آقای‌بارزانی هم در بیانات خود به این احتمال اشاره کردند هر کم‌کاری و سهل‌انگاری که رخ داده بررسی شده و مسببان آن مجازات خواهند شد. البته این جنگ است با همه واقعیت‌هایش هیچ‌گاه در جنگ‌ها شرایط یکنواخت و کاملا قابل پیش‌بینی نیست، گاهی عقب‌نشینی گاهی هم پیشروی می‌کنید.

> **ما وارد هیچ بازی‌ای نشدیم، اقلیم کردستان با دیگر بخش‌های عراق خیلی متفاوت است و با توجه به شاخص‌های موجود، ما می‌توانیم بحق مدعی باشیم یک جامعه آزاد و پویا در اقلیم کردستان پدید آورده‌ایم اما به این معنا نیست که نقش خود را در کل عراق فراموش کنیم، بلکه سعی می‌کنیم بر اساس باورهای دموکراسی‌خواهانه خود سیاست‌هایمان را دنبال کنیم**

فرای کم‌وکیف تحولات نظامی، اقلیم از کشورهای خارجی درخواست کمک کرده و بنابر اظهارات آقای‌بارزانی اولین کشوری که این درخواست را اجابت کرده ایران بود، چه شد که از ایران کمک خواستید؟

قبل از هرچیز باید بگویم نگاه اقلیم به ایران نگاهی تاریخی و عمیق است. ما در یک حوزه تمدنی باستانی قرار داریم، زبان، تاریخ و فرهنگ ما دارای ریشه‌های مشترک فراوان است و در تاریخ سیاسی معاصر، کردها با وجود جدایی از ایران و تقسیم‌شدن و قرارگرفتن در حوزه مرزهای سیاسی کشورهای ترکیه، سوریه و عراق، همچنان با ایران پیوندهای ناگسستنی دارند. بعد از انقلاب اسلامی هم با وجود دشمن مشترکی با نام صدام‌حسین و حزب بعث، ایران از مبارزات ملت کرد در عراق پشتیبانی کرد و برای سال‌ها صدهاهزار آواره کرد را پناه داد. از سوی دیگر اقلیم کردستان هیچ‌گاه اجازه نداده منافع ایران مورد تهدید واقع شود و رفتار سیاسی اقلیم نیز نشان داده تمام تلاش‌های خود را انجام داده که روابط گسترده‌ای با جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. تروریسم داعش تهدید مشترک علیه همه ماست و شکی نبود که ایران در جنگ با این پدیده ضدبشری به ما کمک خواهد کرد همان‌گونه که در هنگام فاجعه حلبچه ما را تنها نگذاشت. در نهایت باید بگویم کمک‌های ایران بسیار ارزنده و به‌موقع بود، قدردانی بسیار ویژه آقای‌بارزانی نیز از ایران نشان از اهمیت قابل‌توجه این کمک‌ها دارد.

پس از صحبت‌های آقای‌بارزانی، یکی از تحلیل‌هایی که شکل گرفت، این بود که سیاست خارجی اقلیم در حال تغییر است و بار دیگر حضور ایران در اقلیم از رقیب منطقه‌ای خود یعنی ترکیه سبقت خواهد گرفت. شما فکر می‌کنید با توجه به کمک فوری ایران و تعلل و در نهایت عدم کمک از سوی آنکارا، این تحلیل قریب‌الوقوع است؟

تصور نمی‌کنم تغییری در رابطه اقلیم با ترکیه رخ دهد. ما همواره سعی کردیم توازن را در سیاست خارجی خود رعایت کنیم و تلاشمان این است که عاملی برای همگرایی در منطقه باشیم. این را هم باید گفت رابطه دولت اقلیم کردستان با یک کشور به این معنی نیست که رابطه‌اش لزوما با کشور دیگری نوسان پیدا کند. ایران و ترکیه دوهمسایه مهم ما هستند. طبیعی است هرکشور سیاست خاص خود را دنبال و براساس اصول و برنامه‌های خود رفتار می‌کند. جمهوری‌اسلامی‌ایران به‌عنوان کشوری مهم و بسیار تاثیرگذار در منطقه، جهان و در همسایگی ما و عراق، منافع زیادی در این بین دارد، اکثریت جامعه عراق شیعه هستند و ایران، مرکز تشیع در جهان اسلام است. این برای ما کاملا قابل درک و احترام است. اما در عین حال این نقد حتی گاه از سوی کارشناسان و پژوهشگران سیاسی در داخل ایران نیز به سیاست خارجی ایران وارد می‌شود که حضور فعالی در اقلیم کردستان نداشته و بیشتر این حضور در بغداد بوده است، هرچند روابط سیاسی در سطوح عالی همواره برقرار بوده، اما در حوزه دیپلماسی عمومی، روابط اقتصادی و فرهنگی مناسبات فی‌مابین در سطح مناسبی نیست، اینها بخشی از عواملی هستند که موجب شده شرایط برای کشورهای دیگر با مشترکات به‌مراتب کمتر با مردم کرد مهیاتر باشد.

یکی از بن‌بست‌ها که تا چندی‌پیش سایه‌اش بر بحران عراق سنگینی می‌کرد، مساله تشکیل دولت و اصرار مالکی بر ماندن و رقبای او بر رفتن بود تا اینکه ناگهان آقای‌حیدرالعبادی از داخل حزب الدعوه ظهور پیدا کرد و پس از مدتی قدرت به او منتقل شد. کم‌وکیف این پروسه انتقال قدرت چگونه بود؟

پروسه سیاسی عراق به یک بن‌بست رسیده بود و تصور نمی‌شد با حضور آقای‌مالکی تغییر شگرفی در این بن‌بست به وجود آید. در عین‌حال تهدید داعش روزبه‌روز گسترش پیدا می‌کرد و شرایطی را به وجود آورد که لازم شد برای مقابله با گسترش آن برخوردی همه‌جانبه و بین‌المللی صورت گیرد. لازمه برخورد با بحران موجود قبل از هرچیز تغییر و اصلاح رفتار حاکمیت در بغداد بود؛ بالاخص که آقای‌مالکی نگاهی انعطاف‌ناپذیر و سخت به حل مسایل سیاسی داشتند و راهکارهای جامع و مناسبی را جست‌وجو نمی‌کردند. در نهایت تقریبا همه کسانی که از شخص آقای‌مالکی حمایت می‌کردند، متوجه شدند نارضایتی از مالکی حتی در داخل خود حزب او هم رو به‌افزایش است و در ادامه شرایطی به وجود آمد که حتی مرجعیت هم درخصوص ضرورت تغییر بیانیه دادند.

به‌سراغ حیدرالعبادی نخست‌وزیر فعلی برویم، عملکرد او را تاکنون چطور ارزیابی‌می‌کنید؟

آقای‌بارزانی اعلام کرده‌اند همچنان پشتیبان تلاش‌های موجود برای پیشرفت روند سیاسی در عراق هستند. اما اقلیم کردستان همچنان در شرایط سختی به‌سر می‌برد. الان مهم‌ترین جبهه جنگ علیه داعش را جبهه‌های اقلیم کردستان تشکیل می‌دهد. دولت بغداد اما حدود ۹ماه است کل بودجه اقلیم کردستان را قطع کرده است. اقلیم کردستان همچنان خویشتندارانه و با درک مسوولیت سنگین اخلاقی و برای اثبات حسن‌نیت خود، در فرآیند تشکیل دولت جدید شرکت کرد، در حالی که هنوز مشکلات بدون حل باقی مانده‌اند. اظهارات آقای‌عبادی در مقام نخست‌وزیری تاکنون مثبت ارزیابی می‌شود، اما پیداست هنوز برای اقدام عملی و پشت‌سرگذاشتن مشکلات راه زیادی را باید پیمود. رهبر سیاسی کردستان مدت‌زمان سه‌ماهه‌ای را برای اقدام عملی دولت جدید در مسیر حل مشکلات در نظر گرفته است. اما توقع بجایی از سوی مردم و رهبران در کردستان وجود دارد که آقای‌عبادی اراده و حسن‌نیت خود برای مرتفع‌کردن مسایل فی‌مابین نشان دهد.

آمریکا با ائتلاف نزدیک به ۵۰ کشور و همکاری پنج‌کشور عربی، مواضع داعش را مجددا در هم کوبید. این حملات تا چه حد به مبارزات پیشمرگه‌های شما یاری رساند؟

این بمباران‌ها بسیار موثر بوده و توانسته بسیاری از مراکز مهم دولت خلافت خودخوانده داعش را منهدم کند. ملت کردستان عراق به نمایندگی از جهان آزاد با این تهدید خطرناک تروریستی جهانی مقابله می‌کند. رهبر اقلیم کردستان از همه دولت‌ها و ملت‌هایی که در این رویارویی سخت پشتیبان مردم کردستان و عراق بوده‌اند، صمیمانه قدردانی کرده است. بدون‌شک برای ریشه‌کن‌کردن تروریسم داعش کمک‌ها و حمایت‌های بیشتری نیاز است.

عراق همچنان جامعه‌ای است که اشخاص کاریزماتیک در آن کارایی بیشتری نسبت به تشکل‌ها دارند، برای همین می‌خواهم اسم تعدادی از چهره‌هایی را بیاورم تا شما مختصر در مورد نقش‌آفرینی آنان بگویید؟ «جلال طالبانی» رییس‌جمهوری سابق عراق و تاثیر فقدان حضورش؟

رهبری مبارز و رییس‌جمهور شایسته کرد عراق در این شرایط سخت. غیبت ایشان به‌دلیل بیماری برای کردستان و عراق بسیار ناگوار بود.

«مسعود بارزانی» رییس اقلیم کردستان عراق؟

نماد آزادیخواهی، صلح‌طلبی و دموکراسی‌خواهی ملت کردستان.

آیت‌الله‌سیستانی، مرجع عالیقدر شیعیان؟

شخصیتی بسیار قابل احترام و تاثیرگذار در جهان اسلام

«عمار حکیم» رییس مجلس اعلای اسلامی عراق؟

این نام برای ما کردها همواره یادآور رهبری معتدل تشیع در عراق و فتوای معروف آیت‌الله‌سیدمحسن حکیم در حمایت از ملت کرد و روابط صمیمانه‌شان با رهبر بزرگ ملت کرد ملامصطفی بارزانی است.

«فواد معصوم» رییس‌جمهوری کنونی عراق؟

سیاستمداری انقلابی و باتجربه و جانشینی مناسب برای آقای‌طالبانی.

«قاسم سلیمانی» سردار ایرانی؟

شخصیتی بسیار توانمند و تاثیرگذار در سیاست خارجی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران. نقش ایشان بسیار برجسته و قابل‌توجه در نزدیکی جریان‌های سیاسی عراق با یکدیگر و اقلیم کردستان با ایران بسیار قابل‌توجه است.

به‌عنوان آخرین سوال، برآوردتان از آینده بحران داعش چیست؟

با وجود خطر تروریسم، به‌طور شگفت‌انگیزی در فضای سیاسی عراق اجماع ایجاد شده و با توجه به مقاومتی که پیشمرگه‌ها و ارتش با همراهی نیروهای مردمی از خود و با حمایت جامعه جهانی نشان می‌دهند، مبارزه با تروریسم و گروه تروریستی داعش تداوم می‌یابد و به یاری پروردگار توانا در آینده‌ای نزدیک شاهد محو این پدیده تروریستی منفور و استقرار ثبات و آرامش در منطقه خواهیم بود.

یادداشت

چالش‌های دیده‌نشده در مجمع‌عمومی

بهاره محبی

مجمع‌عمومی سازمان‌ملل‌متحد سال۲۰۱۴ در حالی به کار خود پایان داد که بیماری ابولا، تغییرات جوی، بنیادگرایی و تهدید گروه تروریستی موسوم به «داعش» در مرکز ثقل توجه رهبران جهان بود. توسعه و اولویت‌های مربوط به آنکه ۱۷هدف توسعه پایدار را به‌ویژه برای پس از سال۲۰۱۵میلادی پیشنهاد می‌کند نیز از جمله موضوعات سخنرانی برخی از رهبران جهان در مجمع‌عمومی بود. رهبران کشورهای مختلف هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به نگرانی‌های خود از جمله فقر، نابرابری، بهداشت و تغییرات زیست‌محیطی اشاره کردند. با این حال چالش‌های بزرگ‌تری هم وجود دارند که باید موردتوجه قرار می‌گرفتند؛ چالش‌هایی که اگر امروز نادیده گرفته شوند، در آینده باید خطرات و هزینه‌های بیشتری را برای رویاروشدن با عواقب آن پرداخت.

مهاجران از جان گذشته

یکی از چالش‌هایی که در کمال ناباوری، مجمع‌عمومی سازمان‌ملل‌متحد بی‌تفاوت از کنار آن گذر کرد، مساله افزایش مهاجران از جان‌گذشته در سراسر جهان است. در سال‌جاری میلادی تنها در دریای مدیترانه نزدیک به ۱۳۰هزارنفر با قایق به سوی سواحل اروپا آمده‌اند؛ چیزی بیش از دوبرابر نسبت به سال۲۰۱۳. همچنین نزدیک به سه‌هزارنفر از این مهاجران دست ازجان‌شسته در این مسیر جان خود را از دست داده‌اند؛ رقمی که نسبت به سال گذشته افزایشی چهاربرابری را داشته است. اغلب این مهاجران از جنگ‌های داخلی سوریه و غزه یا آفریقا می‌گریزند. بنا بر این، پایان این جنگ‌ها می‌تواند تا حد زیادی شمار مهاجران را کاهش دهد. اما این تنها بخشی از تصویر است. در جهان به‌هم‌متصل امروز، مهاجرت بخشی از زندگی است. اما مساله اینجاست که باوجود بحث‌های زیادی که در سال۲۰۱۳ درباره افزایش شمار مهاجران وجود داشت، هیچ راهکار عملی برای مدیریت این پدیده جهانی ارایه نشد. این در حالی است که مهاجرت نه‌تنها افزایش خواهد یافت، بلکه در سال‌های آینده نقش میانه‌روای را در روابط بین‌الملل خواهد داشت. این درست است که در منطقه آسیا- پاسیفیک، در اروپا و در ایالات‌متحده‌آمریکا امیدها برای اجرای اصلاحات مربوط به قوانین مهاجرتی رنگ باخته است، اما با توجه به برنامه‌های توسعه‌ای پس از ۲۰۱۵ می‌توان انتظار داشت سیاست‌های موفقیت‌آمیز مهاجرتی در پیش گرفته شود تا هم به مهاجران کمک شود و هم تنش‌هایی که می‌تواند به یک جنبش عظیم جمعیتی منتهی شود را خنثی کند.

شهرنشینی بدون ساختار

گفته شده تا سال۲۰۵۰میلادی، ۷۰درصد از جمعیت زمین شهرنشین خواهند شد. بر اساس گزارش توسعه سازمان‌ملل‌متحد درباره‌اولویت‌های پس از ۲۰۱۵، شهرها جایی هستند که نبرد برای توسعه پایدار در جریان خواهد بود و در این میان برخی برنده و برخی بازنده خواهند شد. برخی تحلیلگران معتقدند شکنندگی شهری به‌عنوان مرزهای جدیدی از جنگ در داخل کشورهای جنگ‌زده یا آرام ظهور خواهند کرد. بر اساس آماری که سال۲۰۱۳ اعلام شد، ۴۱شهر از ۵۰شهر خطرناک جهان در آمریکای‌لاتین قرار دارد. از این گذشته شهرها مسوول تولید ۷۰درصد از گاز گلخانه‌ای تولیدشده در جهان هستند؛ آن هم در شرایطی که تنها دودرصد از مساحت زمین را به خود اختصاص داده‌اند. گرچه نگرانی‌ها در این زمینه کاملا جدی است، اما در مجمع‌عمومی سازمان ملل امسال هیچ اشاره‌ای به آن نشد

شکاف دولت- ملت

البته خلاف دیگر چالش‌ها، تعجبی نداشت که مجمع‌عمومی سازمان‌ملل چالش افزایش شکاف میان دولت‌ها و ملت‌ها را نادیده گرفت. هیچ دولتی علاقه ندارد تا خود را در یک نشست جهانی پرمخاطب، در معرض انتقاد قرار دهد.

ادامه در صفحه ۱۵

نگاه

زخم‌های ناسیونالیستی بر پیکر ایده اروپای واحد



نوژن اعتضادالسلطنه

سنگفرش‌های بارسلونا هنوز خاطره تظاهرات یازدهم سپتامبر سال۲۰۱۲ میلادی کاتالان‌ها را با خود به همراه دارند. خاطره آنانی که با حمل پرچم‌های قرمز، آبی و طلایی کاتالونیا آرزوی چند دهه‌ای خود را در قالب شعار فریاد می‌زدند: «استقلال، هم‌اکنون!»، «کاتالونیا: دولت جدید اروپایی». تکرار تظاهرات کاتالان‌ها در سال‌جاری میلادی نشان داد ناسیونالیسم در باور و عمل «ملت‌های بی‌دولت» اروپایی حضوری پررنگ دارد. اگرچه اکثریت اسکاتلندی‌ها در جریان برگزاری همه‌پرسی ۱۸سپتامبر در اسکاتلند به گزینه استقلال آن ناحیه از بریتانیا رای منفی دادند؛ با این حال، این رویداد تاثیر خود را بر سایر جنبش‌های جدایی‌طلب اروپایی از جمله جنبش استقلال‌خواهی کاتالان‌ها گذاشت. اکنون کاتالونیا قصد دارد با برگزاری همه‌پرسی در تاریخ ۹ نوامبر آینده سرنوشت خود را درباره در کنار مادرید ماندن یا راهی جداگانه‌پیمودن به محک آزمون آرای عموم کاتالان‌ها بگذارد. ریشه‌های گسترش موج استقلال‌خواهی در اتحادیه اروپا را همچون هر پدیده دیگری باید در عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جست. در حوزه اقتصادی، بحران حوزه پولی یورو در سال‌های اخیر عاملی موثر در تقویت تمایل مناطق با اقلیت قومیتی و زبانی به جدایی بوده است. در اسپانیا، حقوق خودمختاری به «باسک» و «گالیسیا» در سال۱۹۷۸ میلادی پس از پایان عمر زمامداری رژیم فرانکو اعطا شد. در سال۲۰۰۹ میلادی، در قانون اساسی آن کشور ذکر شد که کاتالان‌ها حق آموزش زبان و برخورداری اختیار در حوزه قضایی را دارند. با این حال در سال۲۰۱۰، دادگاه قانون اساسی اسپانیا مفاد ذکرشده را غیرقانونی اعلام کرد؛ امری که به گسترش اعتراضات در آن کشور انجامید. کاتالان‌ها همچنین بر این باورند که دولت مرکزی بخش اعظم مالیات شهروندان کاتالونیا را - به‌عنوان یکی از ثروتمندترین مناطق اسپانیا- اخذ کرده و در مقابل سهم ناچیزی از درآمدها را به دولت محلی آن منطقه ارایه کرده است. این در حالی است که «ماریانو راجوی» نخست‌وزیر راستگرای اسپانیا بخش عمده مشکلات اقتصادی اسپانیا را صرف هزینه‌های بالای دولت محلی کاتالونیا دانسته است اما در مقابل کاتالان‌ها دولت مرکزی را به بی‌کفایتی و عدم نظارت و مدیریت صحیح بودجه و منابع مالی متهم کرده‌اند. تنش میان مقامات مادرید و کاتالونیا در نهایت با رد پیشنهاد مالیاتی «آراتو ماس» رهبر کاتالان‌ها از سوی نخست‌وزیر اسپانیا در سپتامبر سال۲۰۱۲ میلادی به اوج خود رسید. پس از آن کاتالان‌هایی که تا دیروز به کسب حقوق و اختیارات بیشتر در قالب خودمختاری رضایت نسبی داده بودند اینک خواست استقلال کامل از مادرید را با جدیت مطرح کردند. پرسشی اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که تقویت خواست استقلال‌خواهی در میان اقلیت‌های قومیتی و زبانی در کشورهای اروپایی چه تاثیری بر چشم‌انداز اتحادیه اروپا و آرمان «اروپای واحد» و «منطقه‌گرا» خواهد گذاشت؟ واقعیات موجود نشان می‌دهند که اتحادیه اروپا پس از پیمان ماستریخت بیشتر شکلی اقتصادی دارد. در حال حاضر کشورهایی در اتحادیه اروپا هستند که خود را با هویت جدید آن نزدیک می‌بینند و در مقابل، مناطقی وجود دارند که احساس می‌کنند هویت آنان دچار مخاطره شده است که از جمله آنها می‌توان به فرانسه اشاره کرد. در اینجا این موضوع مطرح می‌شود که بنیان‌های مشترک هویت اروپایی مدنظر بنیانگذاران اتحادیه اروپا چه چیزهایی بوده‌اند؟ شاید بتوان گفت «اومانیسم» (انسان‌گرایی)، رنسانس، فردگرایی، عقلانیت، روشنگری و علم همراه با دموکراسی همگی ارزش‌های مشترک اروپایی هستند. با این حال، اتحادیه اروپا هنوز نهادی متشکل از دولت - ملت‌هاست. ناسیونالیسم و دولت - ملت هنوز هم تنها مولفه‌هایی هستند که شکل و محدودیت‌های جامعه اروپایی را مشخص می‌کنند. در این میان، حلقه مفقوده اتحادیه اروپا در پاسخ به این پرسش که جای گروه‌های مادون ملی از جمله ملت‌های بدون دولت و اقلیت‌های قومیتی در کجاست سبب شده تا خواست استقلال‌خواهی و جدایی‌طلبی در اروپا تشدید شود. در نتیجه اگرچه در سطح کلان اتحادیه اروپا به همگرایی روی آورده، اما در سطح مادون ملی مانع از تشکیل هویت‌های جدید شده است. از این روست که ملی‌گرایان کاتالان، اسکاتلندی و فلاندرها اعلام کرده‌اند که خواهان تشکیل «ائتلاف اروپای آزاد» هستند تا جانشینی برای اتحادیه اروپا باشد. به گمان آنان اتحادیه اروپا تاکنون نتوانسته آرمان اروپایی «منطقه‌گرا همراه با احترام به حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» را تحقق بخشد. سازوکار اتحادیه اروپا نیز در عمل نشان داده که برپایه همکاری میان دولت‌ها بوده است. اعضای کمیسیون، شورا و پارلمان اروپایی همگی از وزرا و نمایندگان دولت‌های اروپایی بوده‌اند و کمیسیون‌های منطقه‌ای این نهاد تنها در سطح مشاوره به فعالیت مشغول‌اند، این در حالی است که در پیمان ماستریخت لزوم تصمیم‌گیری منطقه‌ای اروپایی ذکر شده بود.

اکنون برگزاری همه‌پرسی در کاتالونیا به‌مراتب پیچیده‌تر از اسکاتلند است و سرنوشت آن منطقه نامعلوم‌تر. اگر دولت اسپانیا با استناد به قانون اساسی آن کشور برگزاری همه‌پرسی در سطح منطقه‌ای و غیرملی را غیرقانونی قلمداد کرده در مقابل سه‌حزب اصلی بریتانیا در آستانه برگزاری همه‌پرسی در اسکاتلند بر سر موضوع استقلال آن منطقه وعده دادند که حاضرند اختیارات بیش‌تری را در حوزه امور مالیاتی و قضایی به آن منطقه درصورت رای «نه» به استقلال، اعطا کنند. این وعده سبب شده تا مانیفست ۶۵۰ صفحه‌ای دولت اسکاتلند که در نوامبر سال۲۰۱۳ منتشر شد نیز نتواند اکثریت اسکاتلندی‌ها را از تاثیر استقلال احتمالی آن منطقه بر عملکرد اقتصادی، ایجاد ابهام در وضعیت بودجه، واحد پولی، بدهی‌های مالیاتی و هم چنین چشم‌انداز مبهم عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا غافل کند. ناکامی اتحادیه اروپا در ایجاد هویت واحد اروپایی نه‌تنها سبب تقویت نیروهای گریز از مرکز جدایی‌طلب شده، بلکه همزمان با بحران اقتصادی زمینه لازم برای ظهور ملی‌گرایان افراطی دست‌راستی نیز فراهم شده که خود خطری عمده برای چشم‌انداز اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند. کسب ۲۵درصد از ۷۴ کرسی پارلمان اروپا توسط «جبهه ملی» فرانسه جریان اصلی راست افراطی آن کشور به رهبری «مارین لوپن» در انتخابات اخیر نشان داد که پیشروی ناسیونالیسم افراطی در اروپا موجی گسترده‌تر از آن چیزی است که پیش‌تر تصور می‌شد. جبهه ملی فرانسه که منتقد تشکیل اتحادیه اروپا بوده و سرنوشت آن را مشابه اتحاد جماهیر شوروی قلمداد کرده درحالی به پیروزی چشمگیر دست یافته که پنج‌سال پیش تنها سه‌کرسی پارلمان اروپایی را در اختیار داشت. اگر پیش‌تر (در اوایل دهه ۹۰میلادی) اروپای مرکزی و شرقی تشکیل دولت‌های تازه در پی تجزیه مناطقی از جمله یوگسلاوی و چکسلواکی و یک‌دهه پس از آن جدایی مونته‌نگرو از صربستان را تجربه کردند این موضوع برای کشورهای واقع‌شده در غرب اروپا امری تازه است. با این حال، روند برگزاری همه‌پرسی اسکاتلند نشان داد که اروپایی‌ها خلاف کشورهای جهان سوم به این نتیجه رسیده‌اند که تنها راه‌حل مساله هویت، نه توسل به ابزار سرکوب که بهره‌گیری از سازوکار دموکراتیک است. آنان به این درک رسیده‌اند که دستیابی به مطالبات از راهی به غیر از سینه‌های برهنه در برابر اسلحه و مشت‌ها و پرچم‌های خونین نیز امکان‌پذیر است.